

دبیران دین و زندگی

در سرمقاله شماره قبل بیان کردیم که یکی از ابعاد تربیت اسلامی که باید در مدرسه و بخصوص در دوره متوسطه پیگیری شود، تربیت خانوادگی و آماده کردن دانش آموزان برای تشکیل خانواده موفق و سعادت‌مند است. هم‌چنین توضیح داده شد که این بعد از تربیت، به علت تعارض بنیادی فرهنگ و تمدن جدید با فرهنگ و آموزه‌های دین، با آسیب‌ها و چالش‌های جدی روبه‌رو است. برخی از این آسیب و چالش‌ها نیز بیان شد و بحث و گفت‌وگو درباره آنها درخواست گردید.

سؤالی که در این جا قابل طرح است و خود را نشان می‌دهد، این است که:

تربیت خانوادگی و آموزش‌های مربوط به آن برعهده کدام برنامه درسی و کدام معلم است؟

آیا برنامه و معلمی مستقل می‌خواهد یا یکی از درس‌های موجود، حامل آن است؟

پاسخ پیشنهادی ما این است که: تربیت خانوادگی باید در چارچوب تعلیم و تربیت دینی و درس «دین و زندگی» و توسط معلم دینی به اجرا درآید. این پیشنهاد مبتنی بر توضیحات زیر است:

۱. تربیت خانوادگی یکی از اجزاء اصلی تربیت دینی است. بدین معنا که دین اسلام برای تشکیل خانواده مطلوب اسلامی اهداف ویژه‌ای را معین کرده و برای رسیدن به این اهداف برنامه ارائه نموده است. این برنامه هم به گونه‌ای است که با سایر اجزا برنامه تربیتی اسلام مانند تربیت اخلاقی و تربیت عبادی ارتباط وثیق و پیوند ناگسستنی دارد. به‌طور مثال حکم حجاب با نگرش اسلام به خانواده و عوامل تحکیم خانواده و منحصر

و خانواده‌ها

کردن التذاذ جنسی در خانواده ارتباط دارد.

۲. مبانی نظری و معارف اسلامی در موضوعاتی مانند توحید، معاد، فطرت، جایگاه انسان در نظام هستی، هدف خلقت انسان، کرامت ذاتی که قرآن کریم برای انسان قائل است و نیز نگاه اسلام به زن و مرد و ویژگی‌های هر کدام در تبیین ما از خانواده و نقش اعضا آن تأثیر تعیین‌کننده دارد. از این رو اگر تبیین ما از خانواده و تدوین متن درسی که برای آن تهیه می‌شود در امتداد تبیین و تدوین سایر معارف دینی باشد، می‌تواند نگرش صحیح از خانواده را به دانش‌آموز انتقال دهد و او به‌خوبی دریابد که آموزش خانواده چیزی جدای از تربیت دینی نیست.

۳. همان‌طور که در شماره قبل گفته شد بنیان‌های نظری تربیت خانوادگی در اسلام در تعارض جدی با بنیان‌های نظری فرهنگ و تمدن جدید است. آموزه‌های فرهنگ و تمدن آن، آگاهانه یا ناخودآگاه در برنامه‌های تربیتی و آموزشی ما رسوخ کرده و در رشته‌های مربوط به علوم تربیتی و کتاب‌های تخصصی این رشته‌ها تأثیر خود را گذاشته است. به همین جهت مشاهده می‌کنیم متون درسی دانشگاهی وارداتی ما گاه آمیخته با نظریاتی است که در تربیت به معنای اعم و تربیت خانوادگی - در مخالفت با تعالیم اسلام می‌باشد. وقتی که متن درسی تربیت خانوادگی در بستر کتاب تعلیم و تربیت دینی (دین و زندگی) تنظیم شود، تعارض‌هایی از این قبیل به حداقل می‌رسد.

۴. از همه نکات قبل مهم‌تر، معلم و دبیری است که باید برای این درس انتخاب شود. دبیر این درس باید مسلط بر معارف

اسلامی، آشنا با آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام باشد و نگرش اسلام به انسان، زن، مرد و خانواده را قلباً پذیرفته و در عمل بدان ملتزم باشد. در غیر این صورت، خواسته و ناخواسته، آگاهانه و ناخودآگاه مطالبی را به دانش‌آموزان القاء خواهد کرد که در تعارض با اهداف برنامه درسی دین و زندگی و آموزه‌های اسلامی خواهد بود. صرفاً مسلمان بودن و معارف اسلامی را قبول داشتن، برای انتقال نگرش اسلامی خانواده کافی نیست. بلکه تسلط و آگاهی بالنسبه عمیق با معارف اسلامی و توانایی بالفعل دفاع از این معارف ضروری است. گرچه برخی از دبیران درس دین و زندگی در آموزش معارف اسلامی ضعف‌هایی دارند که البته قابل چشم‌پوشی نیست و مسئولیت اصلی آن هم برعهده آموزش و پرورش است، اما فقط این افراد هستند که حداقل معیارهای لازم برای تدریس دینی را دارند و قطعاً بر معلمان غیرمتخصص ترجیح دارند. البته لازم است این دبیران در دوره‌های آموزشی تربیت خانواده شرکت کنند تا آمادگی نسبی برای تدریس را به‌دست آورند. اگر تدریس این درس برعهده هر متخصصی جز دبیران دینی گذاشته شود، یکی از پیامدهای آن مواجه شدن دانش‌آموزان با دیدگاه‌های متعارض درباره خانواده و سردرگمی آنان خواهد بود.

هم‌اکنون دبیران دین و زندگی، به‌خصوص دبیران مدارس دخترانه مشاور اصلی دانش‌آموزان درباره مسائل اخلاقی و خانوادگی می‌باشند. زیرا هم مباحث کتاب درسی، امکان طرح این مسائل را به آنان می‌دهد و هم دانش‌آموزان، معلمان دینی را مشاورانی دلسوز، امین و آگاه و متعهد به دین می‌یابند و به آنان اعتماد می‌کنند لذا مسائل خود را با آنان در میان می‌گذارند.